

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۱۱ مارچ ۲۰۱۸

پیمان های جهانی

۳



۹- کنوانسیون برن:

برای اولین بار در ۱۸۸۶م راجع به حفظ حقوق بین المللی مؤلفین آثار هنری و ادبی در برن برگزار شده در حقیقت پایه و اساس "کپی رایت" در همین کنفرانس گذاشته است. این کنوانسیون جهت تکمیل ساحات آن طی سالیان متمادی در پاریس (۱۸۹۶)، در برلین (۱۹۰۸)، در استکهلم (۱۹۰۸)، در برن (۱۹۱۴)، در روم (۱۹۲۸)، در بروکسل (۱۹۴۸)، ۲۴ جولای ۱۹۷۱ و دوم اکتوبر ۱۹۷۸ در پاریس باز هم برگزار گردیده، قدم به قدم تمام ساحات هنری و فرهنگی از نقاشی و ترتیب آهنگ گرفته تا فلم و کتاب را در زمینه پخش و تکثیر آن قانونمند ساخت.

این قوانین که امروز در کل زیر عنوان "کپی رایت" مطالعه و انسجام یافته اند، این که در آغاز ممکن جهت حفظ حقوق مؤلفان، نویسندگان، شعراء و هنرمندان، هم جهت شناسائی کارشان و هم جهت بهبود وضع اقتصادی شان نقش مثبتی ایفاء نموده باشد، بدان معنا نیست که اکنون نیز می تواند مورد قبول همگان قرار داشته باشد. امروز اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان فکری و سیاسی طبقات پانین جامعه اعتقاد دارند که "کپی رایت" با طول و عرض آن، در واقع جلوگیری از همگانی شدن علم و معرفت، دانش و مزایای آن در زندگانی اجتماعی بوده، قوانین انحصار طلبانه ای اند که طبقات بالائی جامعه بدان وسیله می خواهند آموختن و فرا گرفتن را انحصاری و در خدمت طبقات بالائی جامعه قرار دهند.

شاید بتوان گفت، هرچند کنوانسیون برن در آغاز این چنین محراق نفرت تشنگان علم و معرفت نبود، مگر امروز میلیونها انسان در سراسر جهان علیه آن قرار داشته، حتا در سطح کشور های صنعتی پیشرفته، نهاد های مخفی علیه آن شکل گرفته، که بزرگترین هدف آنها شکستادن آن انحصار و تخطئه تصامیم این کنوانسیون و ادامه های آن می باشد. یکی از بزرگترین نمونه های مبارزه علیه این کنوانسیون، وجود صد ها و هزاران "هکر" است که می کوشند کتب، فلم ها و سایر دست آورد های علمی را که اینک مؤسسات بزرگ نشراتی با موافقه و آگاهی نویسنده و یا سازنده آن و یا هم بدون موافقه آنها زیر عنوان حق ناشر در انحصار خویش درآورده، مانع استفاده همگانی آنها می گردند، از طریق انترنیت "هک" نموده به صورت مجانی در اختیار دیگران قرار بدهند.

۱۰ -- پیمان بین المللی ژنیو:

این پیمان که می توان آن را نخستین تلاش انسانهای قرون ۱۹، ۲۰ و ۲۱ جهت "انسانی ساختن جنگ" معرفی نمود و اینک یکی از دستاورد های جوامع در حفظ "حقوق بشر" به شمار می رود، در آغاز بیشتر توجه خویش را به سربازان زخمی که در میدانهای جنگ باقی می ماندند، معطوف داشته، طرفین جنگ را ملزم می دانست تا در تمام جنگها رسیدگی به مجروحین جنگی را بدون در نظر داشت سمت تعلق آنها باید مورد رسیدگی قرار دهند. کنفرانس ژنیو در چهار مرحله به مقاولات اساسی خود دست یافته است:

۱- نخستین کنفرانس در سال ۱۸۶۴ میلادی با اشتراک ۱۲ کشور در ژنیو انعقاد یافته و طی آن فیصله نمودند تا سربازان زخمی از هر طرفی که باشد، باید از میدان جنگ جمع شده، تحت مراقبت پزشکی قرار داده شوند.

۲- دومین کنفرانس در سال ۱۹۰۶ باز هم در ژنیو انعقاد یافته، به اساس آن فیصله صورت گرفت تا به نهاد های و انجمن های خیریه که هدف آنها کمک رسانی به مجروحان جنگی باشد، باید اجازه داده شود تا بدون ممانعت در جریان جنگ به مجروحین کمک برسانند.

۳- از آنجائی که در جریان جنگ جهانی اول اختلافاتی بین کشور های متخاصم در دادن اجازه به این و یا آن نهاد کمک رسانی و اتهامات عدیده ای علیه این و یا آن نهاد به وجود آمده بود و از طرف دیگر در بعضی موارد سهواً و یا هم قصداً نهاد های کمک رسانی مورد ضربت قرار گرفته بود، در سال ۱۹۲۹ برای سومین بار در ژنیو کنفرانسی دایر شده در آن فیصله نمودند:

برای نهاد های کمک رسانی سه علامت ممیزه "صلیب سرخ، شیر و خورشید و هلال احمر" مشخص شده به تمام دولتها اجازه دادند تا متناسب با خواست و انگیزه های فرهنگی خودشان یکی از آن علائم را پذیرفته، چه در زمان جنگ و چه هم در زمان صلح فعالیت انسان دوستانه و کمکهای شان را با استفاده از آن علائم انجام دهند.

دومین نکته ای که این کنفرانس را نسبت به کنفرانس های قبلی برتری می بخشید، اعلام مواضع روشن در قبال اسیران جنگی و به رسمیت شناختن حقوق انسانی اولی آنها بود.

سومین دستاورد این کنفرانس پایه گذاری "کمیته جهانی صلیب سرخ" بود که یکی از وظایف اساسی آن جمع آوری اطلاعات در باره اسیران جنگی، چگونگی برخورد با آنها و بررسی امکان مبادله آنها بین دولتهای متخاصم بود.

چهارمین دور این سلسله کنفرانس در ژنیو بعد از ختم جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۹ انعقاد یافته، مواد تکمیلی زیادی را بر مواد قبلی کنفرانس افزود.

به ارتباط این سلسله کنفرانسها در ژنیو باید گفت:

این که در بطن و در جریان جنگ کس و یا کسانی بخواهند، جنگ را انسانی بسازند، در واقع فراموش می نمایند که چون جنگ ادامه سیاست است، لذا تا زمانی که سیاست انسانی نگردد، هیچ گاهی و در هیچ کجای دنیا کسی نمی تواند جنگ را انسانی بسازد.

علاوه بر آن تا جایی که دیده شده، تطبیق معاهدات این کنفرانسها که قسماً می تواند دستاورد انسانهای صلح دوست و متعهد به شمار رود، به همان اندازه که از طرف قدرت های کوچک محلی الزام آور به نظر می رسد، از جانب قدرت های بزرگ هیچ گاهی اعتبار لازم اجرائی نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت. مثال های برجسته آن را می توان در جریان تجاوزات امریکا بر ویتنام، کامبوج، لاوس، امریکای جنوبی، عراق، سوریه و افغانستان از یک سو و حملات متحدان آن در لیبیا، یمن، سومالی، سودان از جانب دیگر و نقطه مقابل آنها در جنایات ارتش سرخ روسیه حین اشغال افغانستان به وضاحت دید.

در این کنوانسیون ها فیصله شده، تا در منازعات مردم ملکی آسیب نبینند، از بمب های آتشزا و مواد کشتار جمعی استفاده صورت نگیرد، منابع حیاتی مردم چون زمین و منابع آبی آلوده نگردد، با زندانیان طرف مقابل مطابق به مواد کنوانسیون ژنیو برخورد صورت گرفته حقوق انسانی آنها حفظ شود و ده ها ماده دیگر. مگر همه در عمل دیدیم که در تمام جنگهایی که کشور های امپریالیستی به راه انداخته نه تنها به هیچ یک از این مواد و معاهدات اعتنائی صورت نگرفته، بلکه نفس این معاهدات و استفاده سوء از آنها بهانه ای گردیده تا امپریالیسم و قدرت های جنایتکار با تکیه بر آن جنایات شان را توجیه نمایند.

امروز در تمام کشور ها بدون استثناء نهاد هائی که زیر چتر اشکال مختلف "صلیب سرخ" و "کمیته های دفاع از حقوق بشر" ظاهراً در پیوند با ملل متحد فعالیت می نمایند، همه و بدون استثناء ادامه سیاست قدرت های بزرگ امپریالیستی بوده، استفاده از نام نهاد های خیریه، پوششی است برای فعالیت های استخباراتی - تخریبی همان قدرتها. ادامه دارد